

## دکتر مارو ویلسون، انبیا، جلسه ۳۳، اشعیا ۵۳

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر مارو ویلسون هستم در حال تدریس در مورد انبیا. این جلسه ۳۳، اشعیا ۵۳ است

. بسیار خب، من آماده‌ام که شروع کنم

بیا بید کمی دعا کنیم، لطفا پدر، یک روز دیگر، ما از تو به خاطر زیبایی آن سپاسگزاریم. پروردگارا، از تو به خاطر این دانشگاه، به خاطر آنچه در اینجا می‌گذرد و به خاطر اینکه ذهن ما را به تفکر مسیحی در هر زمینه‌ای سوق می‌دهد، سپاسگزارم

در این ساعت ما را هدایت کن، به ما کمک کن تا چیزهایی را که مطالعه می‌کنیم درک کنیم. از تو به خاطر پیام اشعیا که در طول زمان طنین‌انداز است، سپاسگزارم. دعا می‌کنم که بتوانیم مضامین اصلی و تأکیدی را که جاودانه هستند، در زندگی خود بگنجانیم. از تو سپاسگزاریم که این کلام خداست. من این را از طریق مسیح، پروردگارمان، درخواست می‌کنم. آمین

خیلی خب، فقط جهت یادآوری، ما به اصلاحیه سر امتحان انجام دادیم. اون اصلاحیه رو اوایل ترم انجام دادیم. بنابراین، فقط برای اینکه مطمئن بشیم همه با هم هماهنگ هستیم، ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر دوشنبه، شانزدهم

همه ما در این مورد توافق داشتیم. ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر دوشنبه، شانزدهم. بسیار خب. امروز می‌خواهم اشعیا ۵۳ را تمام کنم و سپس به طور خلاصه به یک سرود دیگر از فصل ۶۱ پردازم

سپس، دوشنبه و چهارشنبه، هفته آینده، درباره برخی از متون مورد علاقه پراکنده در سراسر کتاب اشعیا صحبت خواهیم کرد که بر تعدادی از مواردی که نکات کلیدی برای درک معنویت، الهیات، اخلاق و برخی از چیزهای ماندگار هستند که مردم را در طول کتاب هدایت کرده‌اند، تأکید دارند. برخی از متون دیگر که نتوانسته‌ایم به طور سیستماتیک بررسی کنیم. بنابراین، برای امروز، می‌خواهم اول از همه، فصل ۵۳ را به پایان برسانم، که در آن درباره شهرت رنج‌های او صحبت می‌کنیم

به عبارت دیگر، شهرت، گزارش درخشان رنج‌های او. و ما در انتهای این بخش، با صحبت در مورد قدرت یا توانایی خداوند، یعنی بازوی خداوند که آشکار می‌شود، به پایان رسیدیم. این کسی که در اسرائیل بزرگ می‌شود، در اینجا به عنوان مانند شلیک گلوله‌ای در زمین خشک به تصویر کشیده شده است

. اگر بخواهید، از یک خانواده دهقان گمنام بود. آنها در جلیل کارگر ساختمانی بودند. آنها اصیل‌زاده نبودند

و از سلطنت، آنطور که دنیا آن را می‌شمارد. و او هیچ شکوه و جلالی نداشت. به عبارت دیگر، این بنده زمینی فاقد آن تحسین دنیا بود

هیچ چیزی در ظاهر او وجود ندارد که ما او را بخواهیم. این اشعیا و هموطنانش هستند. نه ثروتمند، نه مشهور، نه قدرتمند

از یک خانواده نسبتاً روستایی در ناصره آمده‌ام. و اینجا دوباره، ما با بنده خداوند سر و کار داریم. یکی از مضامین اصلی کتاب مقدس این است که خداوند از همکاری با افراد کوچک، گمنام، کسی که با معیارهای دنیوی ناچیز است، لذت می‌برد.

اسرائیل کوچک صدایی می‌شود که بزرگترین وحی‌ای را که جهان تاکنون به خود دیده است، ارائه می‌دهد. گروهی نامنظم از کشاورزان چوپان، که ۴۰۰ سال برده بوده‌اند. و آنها جهان را شگفت‌زده می‌کنند، برخلاف مصریانی که آناتومی، فیزیولوژی، خط، ساخت اهرام و همه آن چیزهایی را که مدت‌ها قبل از ابراهیم ایجاد شده بود، داشتند.

یا بین‌النهرین که با جذر اعداد کار می‌کرد، انواع دستاوردهای هنری و شاعرانه را داشت. تمدنی بسیار فرهیخته و با فرهنگ، اما خداوند از اسرائیل گمنام کم استفاده می‌کند. و بار دیگر این مضمون بنده‌ی رنج‌کشیده.

این مرد غم‌ها، همانطور که در بیت بعدی آمده است. عبارتی که از سرودهای مذهبی گرفته شده است. شاید او از بارهای جسمی و روحی خود صحبت می‌کند، اما به احتمال زیاد، این واقعیت که او مردی است که به این چیزها اختصاص داده شده است.

ما در این نوع ساختارها این امکان را داریم که به اصطلاح، یک مفعول مفعولی یا یک نوع مفعولی داشته باشیم. یعنی اگر بگوییم عشق به خدا، یک مفعول مفعولی، عشقی خواهد بود که خدا ایجاد می‌کند، عشق خدا به دیگران. یک ساختار مفعولی مفعولی اگر بگوییم عشق به خدا، عشق خدا به دیگرانی که موضوع آن عشق هستند.

برای عشق به خدا، این کار را انجام بده. به خاطر عشقی که به خدا داری، این کار را انجام بده. این حالت مفعولی مفعولی است.

در اینجا، به عنوان مردی رنج‌کشیده، بله، رنج کشید، بله، مورد تحقیر قرار گرفت و این می‌تواند در واقع به بارهای جسمی خودش اشاره داشته باشد. اما او همچنین خود را به عنوان خادم رنج‌کشیده وقف رهایی از این چیزها کرد، زیرا سه یا چهار حوزه اصلی وجود داشت که عیسی بیشتر وقت خود را در آنها صرف می‌کرد. خدمت تعلیم، خدمت موعظه و خدمت شفا.

و وقتی به کسانی که او شفا داد، شیاطینی که بیرون راند، مردگانی که زنده کرد فکر می‌کنید، به این معنی است که آن فعل مضارع مفعولی، او جان خود را برای رهایی از این چیزها داد. بنیانگذار مکتب ما حتی استدلال کرد که در کفار شفا وجود دارد. حال، برخی کفار را به عنوان کار مسیح در به دست آوردن رستگاری صرفاً برای مردم می‌بینند.

برخی دیگر نیز کفار مسیح را دارای شفای مفید، تسکین درد و بیماری دیگران می‌دانند. و به بیماران آرامش می‌دهند. نه فقط بیماری ناشی از گناه، که به نظر من تأکید اصلی ما بر کفار است، بلکه بیماری‌های عاطفی و جسمی را نیز شامل می‌شود.

بنابراین، هر چقدر هم که بخواهید این موضوع را تحت فشار قرار دهید، چندین احتمال وجود دارد. او در آن زمان کسی بود که مورد تحقیر و طرد مردم قرار گرفت، مردی رنج‌کشیده و آشنا با رنج. چه در مورد خودش و چه بدیهی است که از نظر خدمتش به دیگران.

مانند کسی که مردان چهره خود را از او می‌پوشانند، او مورد تحقیر قرار گرفت و ما او را گرامی نداشتیم حال، جالب است که این عبارت، هستر پانیم، کمی بیش از 30 بار در کتاب مقدس عبری آمده است. هستر به معنای روی آوردن است و پانیم در زبان عبری به معنای چهره است.

برگرداندن صورت اصطلاح جالبی است. تقریباً در هر جای کتاب مقدس عبری، از برگرداندن صورت استفاده شده است. این اصطلاح توسط یهوه که صورتش را برمی‌گرداند، به کار می‌رود.

این خداست که چهره‌اش را می‌پوشاند. این یک ویژگی متمایز خدا در رابطه‌اش با بشر است. معمولاً با گناه اسرائیل یا ناامیدی او از نافرمانی اسرائیل مرتبط است.

بنابراین، او رویش را برمی‌گرداند. با این حال، در اینجا به نظر می‌رسد که این عبارت به بنده به عنوان فاعل خود اطلاق می‌شود. همانطور که یکی از محققان در مورد اشعیا می‌نویسد، بنده رنج‌کشیده در اینجا با خود خدا یکی دانسته می‌شود.

دومین تأکید در سرود خدمتگزار بر دلیل رنج‌های اوست. فصل ۵۳، آیات ۴-۶. حال، در اینجا به تأکیدی بسیار قوی در عهد جدید می‌رسیم که در مورد رنج مسیح و مرگ او مطرح شده است.

VICAR، الهیات مسیحی، به ویژه در جناح محافظه‌کارتر کلیسا، به عنوان کفاره نیابتی توسعه می‌یابد. جانشین از ریشه لاتین به معنای جایگزین است. بنابراین، وقتی در مورد کفاره نیابتی صحبت می‌کنیم، در مورد کسی صحبت می‌کنیم که قدم پیش می‌گذارد و جای گناهکار را می‌گیرد.

پولس می‌گوید مسیح طبق کتاب مقدس برای گناهان ما مرد. و بنابراین تأکید اینجا این است که این بنده رنج‌کشیده قرار است در اینجا کاری را به نمایندگی از دیگران انجام دهد. پس به دنبال کلمه «ما» یا «مال ما» باشید.

مطمئناً، او ضعف‌های ما را بر خود گرفت و غم‌های ما را بر دوش کشید. و این ایده‌ی بنده‌ای است که گناهان، بیماری‌ها، غم‌ها و دردهای دیگران را بر دوش می‌کشد. و دقیقاً متی است که به این متن چنگ می‌زند، آن را محکم می‌گیرد.

متی ۸:۱۶ و ۱۷. عیسی بسیاری از دیوزدگان را نزد او آورد و او با کلام، ارواح را بیرون راند و همه بیماران را شفا داد. این به تحقق پیشگویی اشعیا نبی انجامید.

او ضعف‌های ما را بر خود گرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد. بنابراین، یک نقل قول واقعی در متی از اشعیا ۵۳:۴. باز هم، تأکید بر بیماری‌های ما است که می‌تواند جسمی یا روحی یا هر چیزی باشد که ناتوان‌کننده باشد. آیه ۵، او به خاطر گناهان ما سوراخ شد. او به خاطر گناهان ما له شد.

این همان آیه‌ای است که همزمان با شروع اشتیاق مل گیبسون به مسیح، بر صفحه نمایش ظاهر می‌شود، حال، در ساخت این فیلم هالیوودی پرفروش، توجه کنید که چگونه او دوباره به عهد عتیق رجوع می‌کند تا همانطور که نویسندگان انجیل انجام می‌دهند، اشاره کند که مرگ عیسی به عنوان بنده رنج‌کشیده، در واقع به صورت نبوی اعلام شده است. و در حالی که هیچ مفهومی از مسیح رنج‌کشیده در عهد عتیق به خودی خود وجود ندارد، نام مسیح هرگز با بنده رنج‌کشیده مرتبط نیست.

شما باید صبر کنید تا وارد سنت مسیحی و عهد جدید شوید تا این مفاهیم را به هم پیوند دهید. در عهد عتیق یک پسر انسان وجود دارد، یک مسیح وجود دارد، یک بنده رنج‌کشیده وجود دارد، و عیسی که برای

اولین بار با بنده‌ای که رنج کشید و مرد، همذات‌پنداری کرد. این محور اصلی او بود، نه اینکه روم را کنار بگذارد و به معنای سیاسی معمول آن کلمه سلطنت کند. او این تصویر را برای همذات‌پنداری انتخاب کرد و تقریباً برای همه توده مردم، آنها را شگفت‌زده کرد.

چرا؟ چون آنها درست مثل ما هستند. امروزه شما با یک رهبر سیاسی بیشتر از طریق نیازهای وجودی شخصی خودتان همذات‌پنداری می‌کنید. اگر قیمت بنزین خیلی بالا باشد، می‌خواهید دونالد ترامپ آنجا باشد، کسی که قرار است طبق گفته‌های ترامپ، همه را شکست دهد و قیمت بنزین را پایین بیاورد.

اگر این برنامه‌ی اوست و شما هر روز ۷۰ مایل برای رفتن به محل کار خود در رفت و آمد هستید، نامزد شما آنجاست. اگر جرمی در خیابان‌ها رخ می‌دهد، نامزدی وجود دارد که در مورد آن موضوع بسیار فعال است. این چیزی است که می‌توانید با آن ارتباط برقرار کنید، و دیگران را به اندازه‌ی او نخواهید شناخت.

اگر بحث تورم باشد، پس شما کاندیدای دیگری را انتخاب می‌کنید که تاجر بزرگی است و می‌داند چگونه یک شرکت را اداره کند و چگونه بخش‌های ضعیف را حذف کند و اقتصاد را دوباره به حرکت درآورد. من به سادگی می‌گویم که ما به آنچه که احساس می‌کنیم برای خودمان خوب است، اهمیت می‌دهیم. و چه کسی یک خدمتکار رنج‌کشیده می‌خواست در حالی که قوم یهود زیر چکمه‌های روم دست و پا می‌زدند؟ و بنابراین نگاه کردن به زبان اشعیا ۵۳ و معادل قرار دادن این موضوع برای اکثر مردم واقعاً دشوار بود.

مل گیبسون سپس بر این واقعیت تأکید می‌کند که او سوراخ سوراخ خواهد شد. این کلمه در مزمو ۲۲:۱۶ زکریا ۱۲:۱۰ به کار رفته است که به معنای کاملاً خرد شدن است. ما گاهی اوقات آن را به عنوان کبود شدن به دلیل گناهان یا گناهانمان ترجمه می‌کنیم.

بنابراین، ما در اینجا در آیه ۶ دو کلمه موازی داریم. گناهان و معصیت‌ها. به عبارت دیگر، او نه به خاطر گناهان خود، بلکه به خاطر گناهان دیگران رنج خواهد کشید. یحیی، مرد میکوا، یحیی تعمید دهنده، «می‌گوید»: «این است بره خدا که گناهان جهان را برمی‌دارد».

صحبت از گوسفند شد، در آیه بعدی، همه ما مثل گوسفندان گمراه شده‌ایم. خوب، مطالب زیادی در کتاب مقدس عبری در مورد گوسفندان وجود دارد، زیرا آنها خیلی راحت درمانده و گم می‌شوند.

به حزقیال ۴:۳۴-۶ نگاه کنید. حزقیال ۳۴ در مورد چوپانان و گوسفندان صحبت می‌کند و می‌گوید: «شما ضعیفان را تقویت نکرده‌اید، بیماران را شفا نداده‌اید و زخمی‌ها را نبسته‌اید. شما رانده‌شدگان را از گله بازنگشته‌اید و گمشده‌ها را جستجو نکرده‌اید. شما با خشونت و بی‌رحمی بر آنها حکومت کرده‌اید».

بنابراین، آنها پراکنده شدند زیرا چوپانی وجود نداشت. و وقتی پراکنده شدند، خوراک همه حیوانات وحشی شدند. گوسفندان من بر فراز همه کوه‌ها و بر روی هر تپه بلند سرگردان شدند.

آنها در تمام زمین پراکنده بودند و هیچ کس آنها را جستجو یا پیدا نکرد. چیزی شبیه به ۹۰ و ۹، مگر نه، از انجیل لوقا در عهد جدید، گوسفند گمشده را پیش‌بینی می‌کند.

بنابراین، ما، مانند گوسفندان، گم شده‌ایم. ما درمانده‌ایم. ما به یک چوپان نیاز داریم.

همانطور که در اول پطرس ۲:۲۵ آمده است، او شبان جان‌های ماست. هر کس به راه خود برگشته است. هر کس راه خود را به راه خدا ترجیح داده است.

و خداوند گناه همه ما را بر او نهاد. من فکر می‌کنم این به احتمال زیاد به آنچه در یوم کبیور، لاویان ۱۶ اتفاق می‌افتد، برمی‌گردد. تأکید بر اینکه خداوند گناه همه ما را بر او نهاد.

در مقدس‌ترین روز سال چه اتفاقی افتاد؟ در فصل ۱۶ چهار بار آمده است که مردم باید خود را رنج دهند. از نظر تاریخی، این به عنوان روزه گرفتن تلقی شده است. اما بخشی از این مراسم شامل دو بز بود.

یکی در اردوگاه کشته شد. بز دیگری هم بود که به بیرون اردوگاه برده شد و در نهایت از یکی از تپه‌های یهودا به پایین پرتاب شد. اما قبل از این اتفاق، طبق آیه ۲۱ از فصل ۱۶، کاهن اعظم باید هر دو دست خود را بر سر بز، عزازیل، بگذارد و به تمام شرارت و شورش بنی‌اسرائیل اعتراف کند.

بنابراین در اینجا دوباره، دست‌گذاری، که برای اولین بار در کتاب مقدس زمانی آغاز می‌شود که موسی جانشینی دارد، و یوشع از طریق دست‌گذاری به این مقام منصوب می‌شود. اسمیخا، کلمه‌ای که در کتاب مقدس عبری یافت می‌شود و هنوز هم هر روز در سراسر جهان در جوامع یهودی استفاده می‌شود، به انتصاب به مقام کشیشی اشاره دارد و تحقق این امر در کلیسای اولیه، دست‌گذاری برای انتصاب به مقام کشیشی، یک سنت بسیار قدیمی در جامعه ایمانی است. اغلب، این کار به صورت نمادین چیزی را به چیز دیگری منتقل می‌کند، چه اقتدار باشد.

در این مورد خاص، که گناهان ملت را اعتراف می‌کند، باید به صورت نمادین روی سر بز قرار داده شود و او بز را به بیابان می‌فرستد و بز تمام گناهان آنها را به دوش خواهد کشید. خداوند گناهان را بر او گذاشته یا به او منتقل کرده است. فکر می‌کنم این تصویر بز قربانی است.

خداوند گناه همه ما را بر او، بنده رنج‌کشیده خدا، نهاد. این با طرز فکر اکثر مردم مغایرت دارد. منظورم این است که ما با فردگرایی افراطی بزرگ شده‌ایم.

خرابکاری می‌کنی و توی تخت خودت دراز می‌کشی. از جورج نخواه، از هیچ‌کس دیگه‌ای نخواه که این کار رو برات انجام بده. تو مسئول خودت هستی.

این فردگرایی سرسخت. در مسیحیت، ما با مفهومی از لطف و عشق آشنا می‌شویم که در آن شخص دیگری قدم پیش می‌گذارد و رستگاری را به ارمغان می‌آورد، که تمام آن کلمات شگفت‌انگیز، پادا در کتاب مقدس عبری، به معنای فدیة دادن، آزاد کردن، رهایی دادن، به نوعی درست کردن با آن تلاش، چه تلاش فیزیکی برای دیگری باشد و چه پرداخت چیزی برای رهایی کسی از آنچه او را عقب‌نگه داشته است. این یک تصویر شگفت‌انگیز است.

و این مرگ مسیح است که در واقع، به مردم اجازه می‌دهد تا از طریق آزاد کردن آنها از گناهانشان همانطور که او برای ما گناه شد، از کلمات عهد جدید استفاده کنند. نه اینکه او گناهکار شد؛ او حامل گناه بود. و بنابراین، وقتی گفته می‌شود که او برای ما گناه شد، او حامل گناه برای ما شد.

بنابراین، این تصویر در روزگار اشعیا که پیشگویی کار بنده رنج‌کشیده است، الهیات عهد جدید همه این‌ها را به تصویر می‌کشد. همانطور که او به خاطر گناهان ما خرد می‌شود، مجازاتی که شالوم را برای ما به ارمغان آورد، بر او بود. و تأکید بر شالوم در آنجا، که به معنای رفاه و هماهنگی است.

بله، اغلب به صلح ترجمه می‌شود، اما در واقع به معنای سلامتی، رفاه، دوستی، شکوفایی، گرد هم آوردن همه چیز، و کمال است. ما کامل نیستیم، شالوم به همین معناست. کامل با ادغام شدن و در نتیجه سالم و سرحال بودن.

تا زمانی که ما از سلامتی که از جانب او می‌آید آگاه نباشیم، حتی خاخام‌ها از شالوم به عنوان یکی از القاب یکی از نام‌هایی که خداوند متعال با آن خطاب می‌شود، استفاده می‌کردند. آن یکپارچه‌کننده‌ی بزرگ، آن بزرگی که همه چیز را در آن بسته‌ی سلامتی هماهنگ و کامل گرد هم می‌آورد.

تا زمانی که خدا آن سلامتی را به شما عطا نکند، شما خوب نخواهید شد. هفته آینده، وقتی در بخش دیگری از کتاب اشعیا به آن برمی‌گردم، بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهم کرد. بخش اصلی سوم پیشگویی، تسلیم شدن در برابر رنج‌های او، آیات ۷-۹.

بله، فکر می‌کنم این یک شباهت است. وقتی عیسی روی صلیب بود، نوعی گسست بین خود خدا و پسرش رخ داد. آیا به این دلیل بود که او نمی‌توانست به نوعی به گناه نگاه کند؟ اما در آنجا یک گسست وجود داشت.

و من فکر می‌کنم مطمئناً از این شباهت عهد عتیق الهام گرفته شده است. اما این فقط موقتی است. شما می‌دانید که هشل چطور، شما دارید هشل را می‌خوانید.

هشل به خدا ایمان دارد زیرا کتاب مقدس عبری تعلیم می‌دهد که عشق او تا ابد پایدار است. این عشق، عشقی پایدار، ثابت و پایدار است که تا ابد پایدار می‌ماند.

مزمورنویس را بخوانید. این یک ترجیع‌بند است. عشق او تا ابد پایدار است.

اما هشل می‌گفت، موافقی وجود دارد که عشق معلق است. و وقتی خشم خدا یا روی برگرداندن اتفاق می‌افتد، دیگر نمی‌توانی به تو نگاه کنی، وقتی به نوعی شکافی بین قادر متعال و قومش وجود دارد، این فقط کوتاه مدت است. این عشق لحظه‌ای یا موقت معلق است.

خدا به خودی خود عشق است. اما گاهی اوقات، او این را به حالت تعلیق در می‌آورد. طبیعت او با حیا مشخص می‌شود.

ما می‌توانیم، به اصطلاح، به دلیل گناهانمان، به طور موقت یا گذرا، بر مشارکت و رابطه‌مان با او تأثیر بگذاریم. اما هیچ چیز به طور دائم آن را از بین نمی‌برد. عشق او تا ابد پایدار است.

تسلیم شدن در برابر رنج‌های او، آیات ۷ تا ۹، درباره برخی از چیزهایی که مربوط به ساعات پایانی زندگی اوست، با ما صحبت می‌کند. او مظلوم و رنج‌دیده بود، اما دهانش را ننگشود. او مانند بره و گوسفندی در برابر سکوت پشم‌چینانش به کشتارگاه برده شد، بنابراین دهانش را ننگشود.

مطمئناً، این در دفاع از خود او در برابر قیافا، هیرودیس یا پیلطس صدق می‌کند. تمایل طبیعی انسان این است که در بحبوحه سختی‌ها شکایت کند، اما تأکید بر سکوت است. به عنوان مثال، متی ۲۷، آیات ۱۲ تا وقتی کاهنان اعظم و بزرگان او را متهم کردند، او هیچ پاسخی نداد، ۱۴.

سپس پیلطس از او پرسید: «آیا شهادت‌هایی را که علیه تو می‌دهند نمی‌شنوی؟» اما عیسی هیچ پاسخی نداد، حتی یک اتهام هم نزد، که باعث تعجب شدید والی شد. تعدادی از این موارد در عهد جدید وجود دارد. مرقس ۱۴:۶۰ و ۶۱.

یوحنا ۸:۱۹ و ۹. بنابراین، نویسندگان انجیل به این موضوع اشاره می‌کنند. باز هم، اشعیا ۹:۵۳ از ۱۲ آیه به نحوی در عهد جدید ذکر شده است. این عبارت یا فصل از کتاب مقدس عبری است که بیشترین نقل قول در صفحات عهد جدید از آن شده است.

همچنین، در رابطه با تسلیم شدن در برابر رنج‌هایش، او با میل و رغبت جان خود را فدا کرد. در آیه ۸ آمده «است»: با ظلم و داوری، او را بردند. به اینجا، به محل اعدام بردند

چه کسی می‌تواند از نوادگان او سخن بگوید؟ عیسی به سرعت نابود خواهد شد. البته او بدون وارث ذکور خواهد مرد. که طبق کتاب مقدس عبری، یک تراژدی تلقی می‌شد.

به تمام چیزهایی که می‌خوانید، از کتاب پیدایش شروع کنید تا وارث مرد را تضمین کنید. ابراهیم که فرزندی ندارد، از آنجا شروع می‌کند. و سپس، در آیه ۹، می‌گوید، او را در کنار گناهکاران به خاک سپردند.

حالا، به این تشابه توجه کنید. بسیاری از مردم این را سریع می‌خوانند و شاید به این نتیجه برسند که آنها قبری را با گناهکاران تعیین کرده‌اند. اوه، این حتماً اشاره‌ای به دو دزد روی صلیب دارد.

و بعد می‌گوید، با مرگ ثروتمندان. آن شخص باید یوسف اهل رامه باشد. او مرد ثروتمندی بود.

و این غار او بود که مورد استفاده قرار گرفت. با این حال، توازی اینجا واقعاً با آن مطابقت ندارد زیرا به نظر می‌رسد که توازی در آیه ۹ است که شیر و ثروتمند را به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، فکر نمی‌کنم اشاره اصلی اینجا این باشد که یوسف اهل رامه را در این متن قرار دهد زیرا ثروتمند با شیر موازی است، بنابراین باید دلالت بر این داشته باشد که ثروتمندان، به نوعی، با شرارت مرتبط بوده‌اند.

درست است که در خاور نزدیک باستان، اعتقاد بر این بود که ثروتمندان با استفاده از نقشه‌های شوم ثروتمند می‌شوند. و بنابراین، مفهوم آن این بود، و می‌توانم به تعدادی از رهبران جهان در سال‌های اخیر اشاره کنم، که از دنیا رفته‌اند یا به پست و مقام پایین کشیده شده‌اند، و مردم حساب‌های بانکی آنها را بررسی کرده‌اند، و به عنوان دیکتاتور یا مستبد، مردم فقیر ملت‌های خود را دوشیده‌اند تا شخصاً خود را ثروتمند کنند. بنابراین، ثروتمند و شرور، به طور مناسب، در آن زمینه، دوباره، در کنار هم قرار می‌گیرند.

به همین دلیل است که ثروتمندان را به پایین می‌کشانید. ثروتمندان همچنین به این دلیل شرور بودند که به ثروت خود به عنوان چیزی که باید به آن اعتماد کنند، نه به خدا، نگاه می‌کردند. و اگر کتاب مقدس با ثروت مشکلی دارد، به این دلیل است که، متی را در نظر بگیرید، که یک مأمور مالیات تازه مسلمان شده بود. او بیشتر از هر نویسنده انجیل دیگری درباره پول صحبت می‌کند.

او دیدگاه خودش را در این مورد دارد. زمانی که لاوی ایمان آورد، ثروتمندان اغلب شرور بودند زیرا شما نمی‌توانید به خدا و ثروت، یا خدا و ثروت، آنطور که در کتاب مقدس آمده است، خدمت کنید. پول باید به شما خدمت کند.

نباید به آن خدمت کنی. و طمع به مال و اموال، که اغلب مشخصه برخی از ثروتمندان است تا کسانی که به خدا توکل دارند. بنابراین، دفن بنده، مراسمی افتخارآمیز نیست.

بخش آخر آیه ۹ مواردی را مشخص می‌کند. می‌گوید که او هیچ خوشونتی نکرده است. هیچ فریبی در دهانش نبود.

اما با او مثل یک مجرم معمولی رفتار شد. آیه ۱۰ واضح است. من چند سال پیش در یک میزگرد با چند خاخام بودم که فیلم مل گیبسون اکران شد.

سوال این است که چه کسی عیسی را به قتل رساند؟ بحث‌های زیادی در این مورد وجود داشت. یهودیان چه نقشی داشتند؟ رومی‌ها چه نقشی داشتند؟ و خاخام می‌گوید، موسیقی را متوقف کنید. بیایید در این مورد به کتاب مقدس بپردازیم.

از یک جهت آکادمیک است. چه کسی میخ‌ها را کوبید؟ او گفت، فکر می‌کنم سربازان رومی بودند. آیا یهودیان هم در این کار دخیل بودند؟ بله، به نوعی.

اما در نهایت، این خواست خدا بود که این اتفاق بیفتد. و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم، طبق هر دو عهد جدید، که مسیحیان می‌خوانند، اما بنده رنج‌کشیده به این نکته اشاره می‌کند، که خواست خدا این بود که او را له کند. این همان کلمه‌ای است که در مزمو ۱ استفاده شده است. به معنای آرزو، نقشه، لذت تجارت است.

این کلمه در مزمو ۱ نیز استفاده شده است. مرد عادل، حفیظ، لذت، تمایل، خشنودی و اراده‌اش در اراده خدا یا تورات خداست. و او روز و شب در آن تفکر می‌کند.

یک بنده رنج‌کشیده و کسی که با او مانند صدها، بله، حتی هزاران نفر رفتار می‌شد، برخی از محققان یهودی قرن اول می‌گویند، یهودیان زیادی بودند که در قرن اول زیر دست روم رنج می‌بردند. مسیحیان در رنج عیسی یهودی، شخصیتی بسیار مهم برای کلیسا می‌بینند. اما برای یهودیان، او را بیشتر یکی از بسیاری از کسانی می‌دانند که رنج می‌کشیدند.

بنابراین، بله، این بخشی از تعداد زیادی از یهودیانی است که در آن زمان خاص، تحت سلطه روم رنج می‌بردند. فراموش نکنیم چه کسی شیبی را که به متزودا، ماسادا منتهی می‌شود، ساخت. بردگان یهودی منجر به سقوط ماسادا در بهار سال ۷۳ شدند.

هزاران یهودی وقتی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی به دست تیتوس افتاد، به بردگی گرفته شدند. بنابراین یهودیان زیادی بودند که تحت تأثیر روم قرار گرفتند. کشته شدند، گرسنگی کشیدند، به بردگی گرفته شدند و غیره.

مسیحیت بر یکی از این یهودیان تمرکز دارد زیرا او منحصر به فرد است. او خود خداست. و بنابراین یهودیان، به طور کلی، ویژگی خاص این یکی را نمی‌بینند.

آنها او را بخشی از توده یهودیانی می‌دانند که در قرن اول مورد بدرفتاری قرار گرفتند. چند نکته دیگر در مورد او. و بنابراین، اراده خدا بود که او را نابود کند.

پیچیده و هر چقدر هم که دشوار باشد. و اینجا یک پارادوکس وجود دارد، و برخی از بهترین مطالبی که هشل به شما ارائه می‌دهد مربوط به پارادوکس است. پارادوکس این است که افرادی که عیسی را به صلیب کشیدند، قاتل بودند.

و از دیدگاه انسانی، آنها باید به عنوان قاتل محاکمه شوند. آنها به ناحق شخصی را به قتل رساندند. اما با نگاه به این موضوع از دیدگاه ابدی خدا، ما همیشه نمی‌توانیم از تراژدی انسانی سر در بیاوریم، حتی ما که خود پسر خدا نیستیم. حتی اتفاقاتی که در زندگی ما رخ می‌دهد، ما همیشه نمی‌بینیم که چگونه این اتفاقات

همانطور که پیدایش ۵۰، آیه ۲۰ بیان می‌کند، یوسف در رابطه با برادرانش، شما قصد بدی داشتید، اما خدا قصد خوبی داشت.

چیزی شبیه به کتاب مقدس عبری، رومیان ۸:۲۸. خداوند گاهی اوقات از طریق اعمال گناه‌آلود، در نقشه نهایی خود، از طریق آن درد، چیزی را که در آن زمان ناشناخته است، عملی می‌کند. ما تمایل داریم روی درد تمرکز کنیم نه روی نقشه. و همانطور که بارها گفته‌ام، یکی از پیام‌های قوی کتاب مقدس عبری این است که همه چیز الهیاتی است.

ما می‌خواهیم برخی چیزها را الهیاتی کنیم. یک کل‌گرایی وجود دارد، یک کل‌گرایی، یک کل‌گرایی وجود دارد که می‌گوید خدای اسرائیل انگشتانش را در کل زندگی دارد. و گاهی اوقات به صورت بیرونی و نمایشی، دست او دیده می‌شود.

گاهی اوقات این دست پنهان مشیت الهی است که او هنوز در حال کار است. گاهی اوقات نه آشکارا، بلکه مخفیانه، در پشت صحنه. هنوز تاریخ را کنترل می‌کند.

همه چیز را برای اهداف خودش به کار می‌گیرد. با این اوصاف، فکر می‌کنم نقش ما، اینکه خدا چگونه تاریخ را رقم می‌زند، مسئولیت اوست. نقش ما مقابله با شر است.

نقش ما این است که در کنار دیگرانی که رنج می‌برند باشیم و خادمان دلگرمی باشیم. این نقش ماست. نقش ما نقش پیامبر نیست.

نقش پیامبر صرفاً گزارش وقایع نبود، بلکه تفسیر الهیاتی وقایع بود. آن تفسیر در زمان مناسب آشکار خواهد شد. بسیار زمخت است که مسیحیان در بحبوحه تراژدی‌های زندگی، تفاسیر الهیاتی داشته باشند.

ما باید باور داشته باشیم که خدا در میان آن حضور دارد. اما کاری که خدا انجام می‌دهد همیشه، در ظاهر، در آن لحظه مشخص نیست. پس، زندگی بنده‌ای که جان خود را به عنوان قربانی گناه می‌دهد، مطرح است.

آیه ۱۰. این کلمه، آشام، کلمه‌ای برای قربانی گناه است. به همین دلیل است که نام پنج قربانی اصلی را در کتاب مقدس ۱۰۱ یاد می‌گیرید.

قربانی هولبرگ، قربانی جرم یا قربانی گناه. البته این برای گناهان شناخته شده بود و همچنین مستلزم جبران خسارت به عدالت بود تا عملاً طرف متخلف را اصلاح کند. بنابراین، این تصویر بنده رنج کشیده است.

زندگی او مانند یک قربانی گناه است. وقتی از کار عیسی به عنوان قربانی خدا برای گناه انسان صحبت می‌کنیم، در اینجا یکی از کلمات اصلی شما که از دنیای لاویان قربانی‌ها استفاده می‌شود، برای خود بنده رنج کشیده، به اصطلاح، یک قربانی گناه، به کار می‌رود. حال، در چند آیه آخر، وقتی به پاداش رنج او نگاه می‌کنیم، تغییری وجود دارد.

از طریق مرگش، که به عنوان قربانی جبران خسارت در نظر گرفته می‌شود، او سرانجام فرزندان خود را خواهد دید. اکنون فکر می‌کنم ما به پایین نگاه می‌کنیم زیرا این اشاره خاصی به بنده رنج کشیده خدا، پسر خدا دارد که برای گناهان جهان رنج می‌کشد. در عهد جدید، همانطور که مفسران الهام گرفته ما این متن را گرفتند و آن را به زندگی عیسی مسیح اعمال کردند.

خب، پس چطور قرار است این موضوع در نهایت فهمیده شود؟ دیدن نسل. خب، ما بخشی از آن نسل هستیم. او ماشیح است، و ما نام خود را از ماشیح گرفته‌ایم.

این فقط در ترجمه یونانی به ما می‌رسد، مسیحی. بچه‌ها. بنابراین، ما با این کسی که بنده رنج کشیده شد، ارتباط برقرار می‌کنیم.

ما بخشی از فرزندان او هستیم. ما فرزندان ایمان هستیم. اینگونه است که با آن مسح شده مرتبط می‌شویم.

ما روح خدا را شناخته‌ایم. اگر بخواهید، ما آن مسح را از اول یوحنا دریافت کرده‌ایم. و هر کسی که آن مسح را دارد، نه با حرف بزرگ، بلکه ما روح و آن مسح را دریافت کرده‌ایم.

ما از نظر روحانی متولد شده‌ایم. و به این معنا، ما فرزندان او هستیم. ما فرزندان روحانی او هستیم که از طریق بنده رنج کشیده به دنیا می‌آییم.

می‌گویند که او نور زندگی را خواهد دید. حال NIV سپس می‌گوید، او روزهای خود را طولانی خواهد کرد. و حدود دوازده و نیم مکان در پیشگویی اشعیا وجود دارد که در آنها خواندن طومار دریای مرده مهم است.

و اگر دوست دارید پاورقی‌های کتاب مقدس خود را بخوانید، که من شما را به خواندن آن تشویق می‌کنم، و هفته آینده به این موضوع برمی‌گردم که چگونه خوانش‌های طومار دریای مرده بر نحوه خواندن بخش‌های خاصی از اشعیا تأثیر می‌گذارد. اما در آیه ۱۱، این عبارت، او نور حیات را خواهد دید. طومارهای دریای مرده آن سطر را در ۱۱ ب اینگونه می‌خوانند.

نور حیات آنجاست، بدیهی است که به رستاخیز اشاره دارد. این نور نماد رفاه، رستگاری یا زندگی است، همانطور که در مزمور ۲۷، آیه ۱ آمده است. بنابراین فکر می‌کنم در اینجا پس از رنج و مرگ او، این نور حیات را از مرگ پیش‌بینی می‌کند. یکی از این مکان‌هایی که اکنون تأکید به طور فزاینده‌ای بر آنچه از مرگ بنده حاصل می‌شود، مثبت خواهد بود.

آمده است که NIV این کلمه کوچک در آیه ۱۱، یعنی «بسیاری را عادل شمردن»، یا در ترجمه جدید خدمتکار بسیاری را عادل خواهد شمرد «یا» بسیاری را عادل خواهد کرد»، به احتمال زیاد پیش‌بینی می‌کند که اگر پولس اینجا بود، می‌گفت: «او، به شما می‌گویم این درباره چیست.» و او در رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹ می‌گوید: «پس همانطور که خطای یک نفر منجر به محکومیت همه انسان‌ها شد، عمل پارسایانه یک نفر نیز منجر به تبرئه و حیات همه انسان‌ها می‌شود. با اطاعت یک نفر، بسیاری با کار مسیح بر روی صلیب عادل شدند.»

عدالت مسیح، اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، یک اصطلاح حسابداری در زبان یونانی است. وقتی باور کنیم که با ایمان عادل شمرده شده‌ایم، این عدالت فوراً در دفتر کل ثبت می‌شود. این یک عمل اعلامی از جانب خداست که به خاطر بنده‌ی عادلش، او به ما طوری نگاه می‌کند که انگار گناهی نکرده‌ایم.

ما از نظر جایگاه و مقام عادل هستیم، اما امروز قرار است گناه کنیم، بنابراین از نظر عملی، کاملاً عادل نیستیم.

اما اعلام، زیرا این همان چیزی است که عادل شمردگی از طریق ایمان در مورد آن است، یک عمل اعلامی از جانب خداست که به موجب آن او گناهکار را به دلیل کار شخص دیگری عادل می‌داند. بنابراین، او بسیاری را عادل خواهد شمرد. عادل شمردگی از طریق مرگ بر روی صلیب حاصل می‌شود.

این نتیجه بود. آخرین تصویرسازی اینجا، و کار من تمام شد، تقسیم غنایم یک پیروزی بزرگ است. من به او سهمی در میان بزرگان خواهم داد.

او غنایم را با قدرتمندان تقسیم خواهد کرد. این مسیح ویکتور است. قدرتمندان پیروان مسیح هستند که اگر بخواهیم بگوییم، با مخالفان، شیطان، حریف، از نظر معنوی، می‌جنگند.

غنیمت، خداوند بنده‌اش را به خاطر رنجی که کشیده پاداش خواهد داد، درست همانطور که یک پادشاه ممکن است بیاید و غنایم یا غنیمت یک پیروزی بزرگ در جنگ را تقسیم کند و با جنگجویان تقسیم کند. اینجا یک نبرد معنوی در جریان است. و زبان آن مجازی است.

و این زبان جنگ است. قوم او با او به نبرد می‌روند. این مسیح‌شناسی قهرمان الهی است.

و اینجا او پس از رنج پیروز می‌شود. و اکنون او قهرمان است. و کسانی که به عنوان جنگجویان او به نبرد با او می‌روند، در لذت غنایم آن پیروزی شریک هستند.

پیروزی‌ای که او از طریق مرگ خود، نه فقط مرگش، بلکه رستاخیزش از مردگان، و در متون دیگر، وعده بازگشتش، محقق می‌کند. بنابراین، از طریق رستاخیز، او پیروز می‌شود.

و این کار نهایی بنده رنج کشیده است. از طریق کار او بسیاری را به رستگاری می‌رساند. بسیار خوب، دفعه بعد، قصد دارم در مورد تعدادی از قسمت‌های منتخب در اشعیا صحبت کنم.

و ما این کار را دوشنبه و چهارشنبه برای دو جلسه آخر کلاس انجام خواهیم داد.

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه ۳۳، اشعیا ۵۳ است.